

ایوان مدائن خاقان

راضیه سلمانپور

دکترای زبان و ادبیات فارسی
دبیر دبیرستان‌های شیراز

چکیده

ایوان مدائن یا طاق کسری در جنوب بغداد، که در کتب اسلامی قصرالایض المدائن نامیده شده است، در اصل نام هفت شهر است که عبارت‌اند از: تیسفون، اسپانبر، رومگان، سلوکیه، ماحوزا، والاشاباذ (والاش‌آباد) و درزنیذان که «تیسفون» پایتخت دولت ساسانی و سلوکیه مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رفته است.

در زبان فارسی قصیده بی‌نظیر و زیبایی ایوان مدائن در کمال وطن‌خواهی و ایران‌گرایی شکوه و عظمت پادشاهان ساسانی بیان شده و خاقانی مضامین ذهنی خود را با دو حالت متضاد به تصویر کشیده است.

از یک طرف مانند سوگواری عزیز از دست داده، در اوج عاطفه و با رقت قلب و سوز و درد بر ویرانه‌های کاخ سر به فلک کشیده و با عظمت ساسانیان که اکنون سر بر زمین فرود آورده و خود را هم‌سنگ انسان - یعنی خاک - می‌داند، به همراهی دجله، سیلاب اشک جاری می‌کند. از این‌رو شاید بتوان آن را در زمره «مرثیه» جا داد. از طرف دیگر خاقانی مانند یک فیلسوف، با زبانی فخیم و استوار و لحنی حماسی و به دور از احساس، ناپایداری دنیا و واقعیت مرگ را بیان می‌کند و در ابتدا و انتهای قصیده، انسان‌ها را به تفکر و تأمل

و عبرت‌آموزی فرامی‌خواند و در تصویرهای مختلف ناپایداری دنیا را به انسان‌ها گوشزد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ایوان، مدائن، خاقانی، قصر، ایض، هفت شهر.

مقدمه

قبل از خاقانی در ادبیات عرب شاعرانی در مورد ایوان مدائن شعر سروده‌اند؛ از جمله: عبدالرحمن همدانی (همدان، نام قبیله‌ای است)، ابونواس و... که در بین آن‌ها ایوان مدائن بختی از همه شاخص‌تر و زیباتر است.

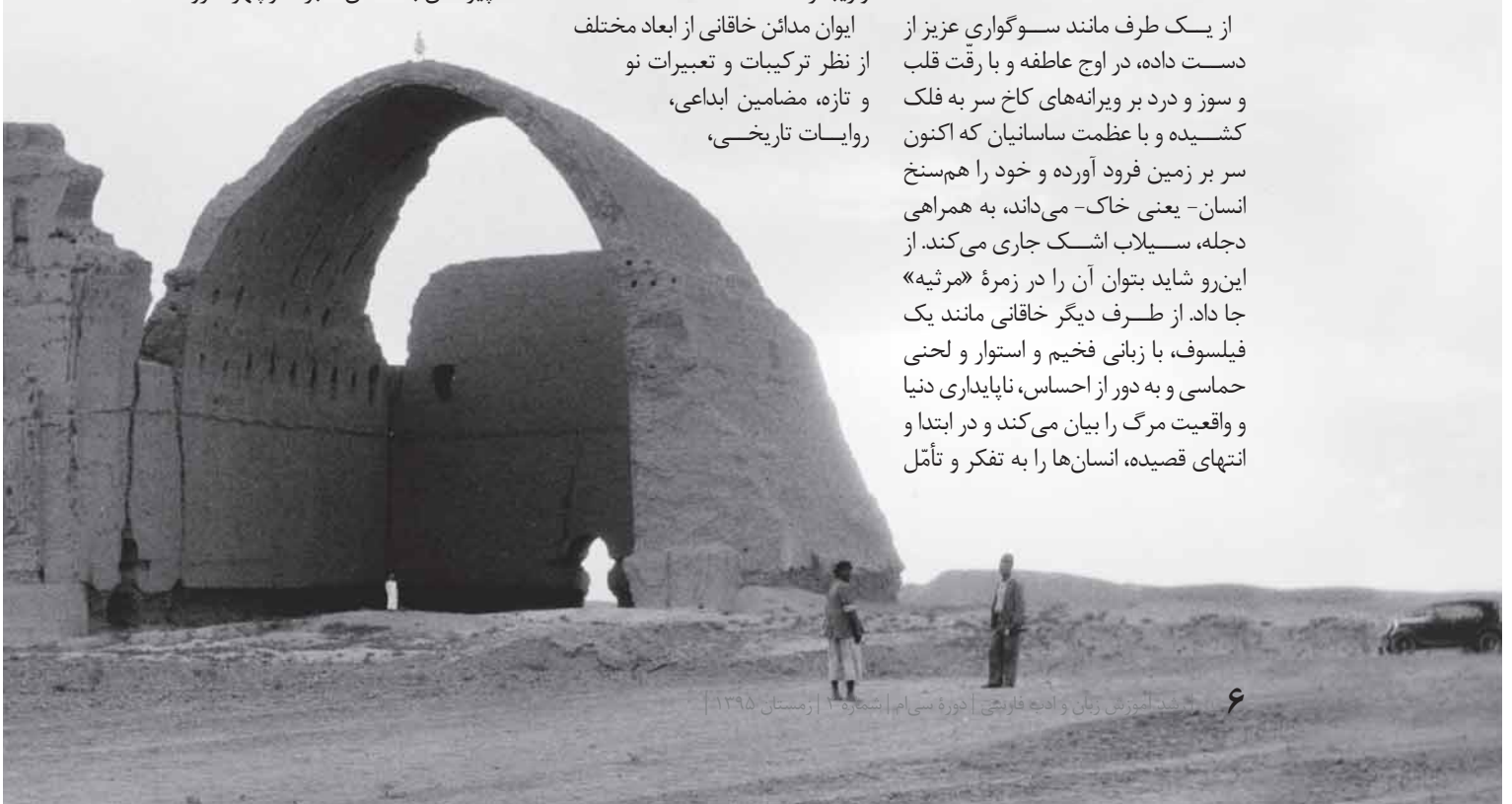
ایوان مدائن خاقانی از ابعاد مختلف از نظر ترکیبات و تعبیرات نو و تازه، مضامین ابداعی، روایات تاریخی،

ملی، مذهبی و اسطوره‌ای، داستان‌پردازی، ظرافت‌های بیانی و آرایه‌های بدیعی،... قابل بحث و بررسی است.

در این مقاله متناسب با کتاب ادبیات فارسی (۲) تخصصی پیش‌دانشگاهی و حجم مقاله، مختصری در مورد ایوان مدائن و سه نقش یا سه حالت خاقانی بحث شده است.

مختصری در مورد خاقانی

«خاقانی (۵۹۵-۵۲۰ ه.ق) از بزرگ‌ترین قصیده سرایان در پهنه ادب پارسی است. تخلص او در آغاز «حقایقی» است و بعد از پیوستن به خاقان اکبر منوچهر شروانشاه



به پایمردی بوالعلا گنجوی، شاعر بزرگ معاصر خود، که در دستگاه شروانشاهان به سر می برد، به خاقانی دگرگون می شود.» (کزازی، ۱۳۸۹: ۶)

فروزانفر معتقد است که سبک خاقانی از روش سنایی منشعب شده و قسمتی از قصائدش به تقلید سنایی بوده است و این می رساند که خاقانی مدتی به تقلید از او سخن سرایی کرده است.

معتقدات خاقانی در دوره های مختلف زندگانی او تفاوت بسیار یافته است. «او در آغاز زندگی شاعری مدیحه سرا بوده و از ممدوحان اجر شایانی می گرفته و از زندگی مرفهی برخوردار بوده است. تا اینکه به خود می آید و از صحبت امیران دوری کرده و تا آخر عمر کنج عزلت اختیار می کند. تمایل خاقانی به زهد و آخرالامر، تصوف در افکار وی تأثیر زیادی می گذارد.» (رک. فروزانفر، ۱۳۵۸: ۶۱۲-۶۲۱)

به گفته ذبیح الله صفا «او مانند اکثر استادان عهد خویش به روش سنایی در زهد و وعظ نظر داشته و بسیار کوشیده است که از این حیث با او برابری کند. خاقانی در عین مداحی مردی بلند همت و آزاده بود و با وجود نزدیکی به دربارهای معروف و علاقه ای که شروانشاه و خلیفه عباسی به تعهد امور دیوانی از طرف او داشت، همواره از این گونه مشاغل، که به

انصراف او از عوالم معنوی می انجامید، اجتناب می نمود.» (صفا، ۱۳۷۸: ۷۸۳)

خاقانی دوبار به حج مشرف می شود که این سفرها در روحیه او بسیار مؤثر بوده است. به گفته امامی «سفرهای شاعر، خاصه سفرهایی که به خانه کعبه، عراق

خاقانی مانند یک فیلسوف، با زبانی فخیم و استوار و لحنی حماسی و به دور از احساس، ناپایداری دنیا و واقعیت مرگ را بیان می کند و در ابتدا و انتهای قصیده، انسان ها را به تفکر و تأمل و عبرت آموزی فرا می خواند و در تصویرهای مختلف ناپایداری دنیا را به انسان ها گوشزد می کند

عرب و عربستان داشته، در روحیه و آفرینش های شعری اش مؤثر بوده است و جدا از وسعتی که به جغرافیای شعری خاقانی داده، موجب تحولی دیگر در جهان بینی شاعر گردیده است. سفر اول او در سال ۵۵۱ اتفاق افتاده است.» (امامی، ۱۳۷۹: ۲۵) «اما سفر دوم او پس از پایان مناسک حج در سال ۵۶۹ آن زمانی که به بغداد برمی گردد و از ویرانه های ایوان مدائن عبور می کند، به چشم عبرت در آن ها می نگرد و احساسات خود را در قالب قصیده ایوان مدائن بیان می کند.» (ماهیار، ۱۳۸۰: ۲۲۴)

ایوان مدائن

ایوان مدائن، در اصل نام هفت شهر بود که «تیسفون» پایتخت دولت ساسانی و «ویه اردشیر یا سلوس»، که همان سلوکیه قدیم است، مهم ترین آن ها به شمار می رفته است.

مهدوی دامغانی در مورد «ایوان مدائن»

در نظر اعراب می گوید: «بنای سر به فلک کشیده ای که لااقل ۱۴۰۰ سال است به نام «ایوان مدائن» معروف است و قسمتی از کاخ بسیار باشکوهی است که نامش را در کتب اسلامی، قصر الابيض المدائن؛ یعنی کاخ سفید گذاشته اند. یکی از هفت کاخ است که به مجموع آن «مدائن» اطلاق شده است.» (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۴: ۶)

ادامه مطلب در وبگاه نشریه....

منابع

۱. ابی الفرج الاصفهانی؛ **اغانی**، جلد ۱۱ از ۲۵ جلد، تصحیح یوسف البقاعی و غریب الشیخ، مؤسسة العلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۰.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی؛ **جهان بینی ابوالفضل بیهقی**، یادنامه تاریخ بیهقی.
۳. امامی، نصرالله؛ **ارمغان صبح برگزیده قصاید خاقانی شروانی**، جامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۴.؛ **مرثیه سرایی در ادبیات فارسی**، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۰.
۵. عزالدین، ابن اثیر؛ **تاریخ کامل**، سیدحسن روحانی، جلد چهارم، اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۶. بیهقی، ابوالفضل؛ **تاریخ بیهقی**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، نشر مهتاب، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷.
۷. بدیل بن علی، خاقانی؛ **دیوان خاقانی**، به کوشش ضیال الدین سجادی، انتشارات زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
۸. محمد بن محمد، غزالی؛ **المنقذ من الضلال**، دارالعلم للجمعی، بی تا.
۹. ابوالقاسم، فردوسی؛ **شاهنامه فردوسی**، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ نهم، ۱۳۸۷.
۱۰. فروزانفر، بدیع الزمان؛ **سخن و سخنوران**، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۸.
۱۱. کریستن سن، آرتور؛ **ایران در زمان ساسانیان**، رشید یاسمی، قصبه پرداز، چاپ دهم، ۱۳۷۹.
۱۲. کزازی، میرجلال الدین؛ **رخسار صبح**، کتاب ماد وابسته به نشر مرکز، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۹.
۱۳.؛ **سراچه آوا و رنگ خاقانی شناسی**، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۱۴. ماهیار، عباس؛ **شرح مشکلات خاقانی دفتر سوم نسیم صبح**، جام گل، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۵. مؤید شیرازی، جعفر؛ **شعر خاقانی**، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاه شیراز، ۱۳۷۲.
۱۶. معدن کن، معصومه؛ **بزم دیرینه عروس**، شرح پانزده قصیده از دیوان خاقانی، مرکز نشر دانشگاه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۲.
۱۷.؛ **دنیای خاقانی**، جلد اول و دوم، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
۱۹. مهدوی دامغانی، احمد؛ «ایوان مدائن در متون عربی»، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۸۸، ۱۳۸۴/۱۲/۲۴.
۲۰. یوسفی، غلامحسین؛ **چشمه روشن، دیداری با شاعران**، علمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.